

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۹ اکتوبر ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

گزارش دادستان کل جمهوری اسلامی از پرونده فساد مالی

دادستان کل جمهوری اسلامی در این هفته، در یک گفت و گوی ویژه خبری شرکت کرد تا گزارشی از آنچه که "پرونده فساد اقتصادی بزرگ" نامید، به مردم ارائه دهد. دادستان کل جمهوری اسلامی از "پرونده فساد اقتصادی بزرگ" گزارش داد، بدون این که در این گزارش، کمترین اشاره‌ای به نقش دستگاه دولتی جمهوری اسلامی و مقامات آن در این فساد بزرگ داشته باشد.

آنچه که وی گفت از این قرار بود: "متهم اصلی پرونده فساد اقتصادی بزرگ به تازگی پذیرفته که تخلفاتی داشته. او تا پیش از این توضیحی درباره فعالیت‌هایش نمی‌داد. هفته‌های اول می‌گفت کار خاصی نکرده‌ایم، چون اعتماد داشت به آن شبکه و کارهای پیچیده ای که انجام می‌دادند." مردم منتظر بودند که در مورد این شبکه و کارهای پیچیده‌ای که انجام می‌دادند، چیزی بشنوند. دادستان جمهوری اسلامی، اما چیزی برای گفتن نداشت. چون ظاهراً محرمانه‌اند و مقامات جمهوری اسلامی قدغن کرده‌اند که هیچ فرد، ارگان و نشریه‌ای هم در مورد این پرونده خبری به جز آنچه که دادستان کل می‌گوید، نگویند و منتشر نکنند. این گزارش همچنین حاکی بود که تاکنون ۶۷ نفر به عنوان متهم احضار شده و ۳۱ نفر بازداشت هستند.

دادستان جمهوری اسلامی برای این که به مردم اطمینان دهد، دست دولتیان در این پرونده در کار نیست، می‌افزاید: این افراد از "رده‌های مختلف مدیران و مسئولان شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیر منصور آریا و افرادی که حامی این افراد بوده‌اند" هستند. برخی کارمندان بانک هم رشوه گرفته‌اند.

اما بالاخره در پاسخ به این سؤال که آیا در میان احضارشدگان افراد شاخصی هم بوده‌اند، گفت: البته "ابتداء باید شاخص را تعریف کنیم... ما اگر از لحاظ قانونی مجاز بودیم، اسامی این افراد را می‌گفتیم. مردم این توقع را دارند که بدانند چه کسی را احضار کرده‌ایم و چه گفته است. اما باید بگویم که بنده از نام بردن این افراد معذور هستم." دادستان جمهوری اسلامی که می‌کوشد پای مقامات دولتی را از این پرونده بیرون بکشد، طفره می‌رود. او در همین گزارش می‌گوید: "مدیر عامل شرکت امیر منصور خسروی حاضر به توضیح درباره اقداماتش شد." اما وقتی که

نوبت به همدستی دولت و مقامات جمهوری اسلامی با این سرمایه‌دار می‌شود، دادستان کل جمهوری اسلامی زبانش بند می‌آید و از بردن نام، موقعیت و مقام همکاران وی در دولت معذور می‌شود.

کارگران و زحمتکشان ایران اما می‌دانند که جمهوری اسلامی رژیم پاسدار نظم طبقاتی سرمایه‌داری حاکم بر ایران و منافع طبقه سرمایه‌دار است. فقط از طریق زد و بند سرمایه‌داران این شرکت و حمایت بالاترین مقامات و صاحب‌منصبان جمهوری اسلامی امکان‌پذیر بود که در فاصله ۶ سال سرمایه ۲۰ میلیونی آن به ۴۷۰۰ میلیارد تومان برسد و مالک ۳۹ کارخانه و مؤسسه خدماتی گردد.

هیچ کشوری را در جهان سرمایه‌داری نمی‌توان پیدا کرد که سرمایه سرمایه‌داران با این سرعت رشد کند. انباشته شدن یک چنین حجمی از سرمایه و ثروت فقط در کشوری می‌تواند رخ دهد که رژیم حاکم بر آن سرتاپا فاسد باشد و سیاست اقتصادی حاکم نیز تمام راه‌ها را باز گذاشته باشد که این نقل و انتقال به راحتی انجام بگیرد. در ایران، رژیم فاسد جمهوری اسلامی با خصوصی‌سازی و واگذاری مؤسسات تولیدی و خدمات دولتی به سرمایه‌داران بخش خصوصی، هم ثروت‌های عمومی را به بخش خصوصی واگذار نموده و هم این امکان را پدید آورده است که مقامات دولتی به اتکای این انتقال، مبالغ کلانی از طریق رشوه و سوء استفاده‌های مالی متعدد به جیب بزنند. فساد دولتی هم مختص قوه اجرائی نیست، بلکه قوه مقننه و قضائی رژیم نیز در این فساد غوطه‌ورند. تا جایی که به دولت ارتباط می‌یابد، همه چیز باید مخفی بماند. چون اگر پای یک ارگان و نهاد جمهوری اسلامی به میان کشیده شود، پای ارگان‌های دیگر نیز به میان کشیده خواهد شد. بنابراین روشن است که چرا دادستان کل جمهوری اسلامی حاضر نیست نامی از مقامات دولتی در این فساد ۳ هزار میلیارد تومانی به میان آورد. هر چه هست، آن بخشی که به دستگاه دولتی ارتباط می‌یابد، باید مخفی بماند. فقط دستگاه قضائی جمهوری اسلامی، رازدار این فساد دستگاه دولتی نیست. در مجلس هم وضع بر همین منوال است.

در این هفته دبیر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس خبر از ارائه گزارش نهائی این کمیسیون پیرامون تخلف و فساد مالی در سیستم بانکی به هیأت رئیسه مجلس داد. اما افزود که این گزارش در سه سطح دسترسی تهیه شده است. یک بخش آن در ۲۰ صفحه برای قرائت در صحن علنی مجلس است. یک بخش آن محرمانه است و بخش سوم آن کاملاً محرمانه که به مراکز مربوطه ارسال می‌شود. یعنی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گزارشی از فساد مالی در سیستم بانکی تهیه می‌کند که از یک بخش آن مردم می‌توانند احتمالاً آگاه شوند. بخش دیگر آن از چشم مردم ایران پوشیده و پنهان خواهد ماند، تا وقتی که دیگر علنی شدن آن خطری برای رژیم نداشته باشد و بخش سوم هم هیچ‌گاه علنی نخواهد شد و مردم هرگز از آن باخبر نمی‌شوند. این است سیستم کار یک رژیم استبدادی فاسد پاسدار نظام سرمایه‌داری در ایران.

اما بالاخره بر طبق گزارش دادستان کل جمهوری اسلامی، سرانجام این پرونده فساد مالی بزرگ به کجا خواهد انجامید؟

دادستان جمهوری اسلامی می‌گوید: "در لسان بسیاری از مسئولان، این مسأله به نام اختلاس یاد شده بود، ولی آنچه باز پرس به متهمان تفهیم کرده است، اخلال در نظام اقتصادی کشور" است. در ظاهر، دادستان جمهوری اسلامی می‌خواهد وانمود کند که جرم بازداشت‌شدگان متهم، سنگین‌تر شده است. در واقعیت اما چنین نیست. اختلاس از این پرونده کنار می‌رود تا مبدا دامن پاک جمهوری اسلامی با این دزدی و فساد مالی آلوده و مکرر شود! بلکه آنچه رخ داده تلاش فرد یا افرادی برای اخلال در نظام اقتصادی کشور بوده است. در نهایت نیز پرونده به این نقطه ختم خواهد شد که قصدی برای اخلال نبوده است و متهمان با محکوم شدن به حبس، پس از مدتی آزاد

می‌شوند. خیلی هم که بخواهند خود را ضد فساد معرفی کنند و سر و صدای قضیه را بخوابانند، یک نفر را هم اعدام می‌کنند و ماجرا فیصله خواهد یافت.

فساد مالی دستگاه دولتی، ذاتی رژیم‌های استبدادی سرمایه‌داری است. جمهوری اسلامی برجسته‌ترین نمونه این دولت‌هاست. این فساد بر نمی‌افتد، مگر زمانی که مردم ایران این رژیم را سرنگون کنند و با استقرار نظامی شورائی، تمام دستگاه دولتی را تحت کنترل و نظارت دائمی خود قرار دهند

طرح سوال مجلسیان از دستور کار خارج شد

مجلس ارتجاع اسلامی در این هفته درگیر منازعات بر سر طرح سوال از رئیس دولت اسلامی بود. پیش از این اعلام شده بود که در این هفته، طرح سوال از رئیس جمهوری اسلامی اعلام وصول خواهد شد. اما پوشیده نبود که این طرح صرفاً وسیله‌ای برای ترساندن و مهار احمدی‌نژاد تا پایان دوره ریاست جمهوری اوست و تنها زمانی می‌تواند در مجلس فرمایشی و گوش به فرمان جمهوری اسلامی به جریان افتد که رئیس اصلی دولت اسلامی، خامنه‌ای، اذن و اجازه آن را صادر کند.

باهنر، نایب رئیس مجلس، نیز به صراحت گفته بود: "بیش از صد امضاء رسید. تا روزی که دوستان این طرح را تحویل هیأت رئیسه دادند داستان تمام شد و توصیه‌ای هم که به ما شد این بود که سعی کنید این مسأله را دنبال نکنید... این که موضوع را کش بدهیم و این تبدیل به یک دعوی جدی بین قوه مقننه و مجریه و گروکشی شود را بزرگان نظام مصلحت نمی‌دانستند و ما هم فکر می‌کردیم و همچنان فکر می‌کنیم که باید تلاش کرد تا کار این دولت به صورت طبیعی و عادی تمام شود و یک کار پر هزینه غیر معمول انجام نشود."

پس روشن است که به گفته وی فردی که همان خامنه‌ای باشد، توصیه کرد یا دقیق‌تر دستور داد که این مسأله را دنبال نکنید و داستان تمام شد. از همین رو به رغم فشار گروه‌های رقیب احمدی‌نژاد برای به جریان انداختن طرح سوال، در اوایل این هفته، هیأت رئیسه مجلس اعلام کرد ۲۹ نفر از نمایندگان امضای خود را پس گرفته‌اند و طرح سوال از رئیس جمهوری منتفی شده است.

با وجود این که موافقان طرح می‌دانند، چیزی در مجلس نمی‌تواند خلاف نظر خامنه‌ای طرح و تصویب شود، تلاش نمودند با استناد به دروغ‌پردازی‌های خامنه‌ای در کرمانشاه مبنی بر این که او در کار قوای مقننه، اجرائی و قضائی دخالتی ندارد، مانع از کنار گذاشته شدن طرح شوند.

علی مطهری در نطق خود گفت: "زیاد می‌شنویم که مثلاً درباره پرونده اتهامات اقتصادی برخی مقامات بلندپایه دولتی گفته می‌شود: رهبری فعلاً رسیدگی به آن‌ها را صلاح نمی‌دانند و به این وسیله دست قوه قضائیه بسته می‌شود. ما نمایندگان مجلس نیز در جلسات رسمی و غیر رسمی خود جملاتی از این قبیل را زیاد شنیده‌ایم که: آقا مخالف این طرح هستند. رهبری با استیضاح فلان وزیر مخالف است، آقا با طرح سوال از رئیس جمهور مخالف‌اند. رهبری نسبت به قرائت فلان گزارش ملاحظاتی دارند." و می‌افزاید، اما با سخنان خامنه‌ای در دانشگاه رازی، "حجت بر همه ما تمام شد و بیش از این نباید تعلل بورزیم."

این آقا سعی می‌کند که خود را به نفهمی بزند. واقعیت‌ها را انکار کند، تا شاید بتواند مانع از کنار گذاشته شدن این طرح گردد، اما وقتی که در پی اعتراض گروهی از طرفداران طرح و اخطار آن‌ها، رئیس مجلس گفت: "هر نماینده‌ای که در رابطه با تعداد کسانی که امضای خود را پس گرفته‌اند، شبهه دارد، می‌تواند اسامی انصراف‌دهندگان را ببیند" ناگزیر شد، واقعیت را بپذیرد و گفت: حتماً اگر پنج امضای جدید نیز به جمع تعداد امضاها

برای رسیدن به حد نصاب، افزوده شود، بی‌فایده است چرا که تلاش برای پس گرفتن امضاهای بیش‌تری ادامه خواهد یافت.

ماجرای سؤال مجلسیان از احمدی‌نژاد که در واقع طرحی برای ترساندن و کنار گذاشتن او بود، در این هفته رسماً از دستور کار مجلس خارج شد

در حکومت اسلامی وحشی‌گری، وظیفه و عبادت است

در جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف خطیر قوه قضائیه که جز در مواردی اندک از نمونه رژیم عربستان سعودی، نمی‌توان در تمام کشورهای جهان نظیر آن را پیدا کرد، صدور حکم قصاص و حد شرعی است. مردم کشورهای سراسر جهان صدور و اجرای یک چنین احکامی را نشانه توحش و بربرمنشی می‌دانند. در ایران اما قضیه عکس آن است. دستگاهی که وظیفه خود را آدم‌کشی و شکنجه قرار داده است، مظهر عدالت تام و تمام نام گرفته است. قضاتی که این احکام را صادر می‌کنند، "شریف‌ترین" انسان‌های سراسر کره زمین معرفی می‌شوند. از همین روست که رؤسای دستگاه قضائی جمهوری اسلامی اغلب شکوه می‌کنند که چرا مردم ایران و جهان قدر زحمات این دستگاه و قضات "شریف" آن را نمی‌دانند و تشخیص نمی‌دهند که برای کشتن یک انسان و یا قطع اعضای بدن چقدر زحمت می‌کشند و وقت صرف می‌کنند.

به گزارش روابط عمومی دیوان عالی کشور، روز سه‌شنبه این هفته، جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست محسنی‌گرگانی که از قرار معلوم، آیت‌الله هستند، تشکیل شد. ایشان پس از "تشکر از زحمات و خدمات قضات شریف دادگستری خصوصاً قضات دیوان عالی کشور فرمودند: متأسفانه کار قضات را خیلی‌ها فهم نمی‌کنند." یعنی چه؟ خیلی‌ها چه چیزی را باید فهم کنند؟ می‌فرمایند "درک نمی‌کنند که یک پرونده مثلاً قتل را برای به ثمر رساندن آن چقدر وقت و انرژی باید صرف شود." خوب! حالا فرض کنیم که درک شد، نتیجه این به ثمر رساندن چه بوده و است؟ آخوند گرگانی می‌گوید: "به عنوان مثال در مهر ماه [میزان] سال جاری ۱۰۰ پرونده تجاوز به عنف و زنا محصنه در دیوان عالی کشور رسیدگی گردیده است. ۵۶ فقره قصاص در دیوان عالی کشور ابرام گردید. ۱۲ فقره اعدام به دلیل تجاوز به عنف ابرام و حکم اعدام ۱۱ فقره نیز نقض گردیده است." البته ایشان فراموش کردند که از ابرام ده‌ها مورد اعدام به اتهام قاچاق مواد مخدر، سرقت مسلحانه و موارد دیگری که جنبه سیاسی داشته است، نامی ببرند، که آن‌ها را نیز باید به حساب زحمات این قضات "شریف" گذاشت که این همه زحمت کشیده تا حکم اعدام و حد شرعی را صادر کنند.

رئیس دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی در خاتمه گفتارش برای آن که قضات دادگاه‌های جنائی و دیوان عالی کشور را که این احکام وحشیانه را صادر و ابرام می‌کنند تشویق کند و به آن‌ها در این وحشی‌گری دل و جرأت بیش‌تری بدهد، می‌افزاید: "ائمه ما خودشان حد را اجراء می‌کردند و اجرای حدود الهی یک وظیفه و عبادت است.

اگر این احکام اجراء نشود کشور دچار هرج و مرج خواهد شد و نظم و امنیت کشور دچار مشکل جدی می‌شود." پس روشن شد که وحشی‌گری عبادت است و از آن‌رو عبادت است که حکومت اسلامی موجودیت خود را مدیون وحشی‌گری و سرکوب می‌داند و اگر بساط دار و شکنجه، برچیده شود، امنیت کشور که همانا امنیت جمهوری اسلامی است، بر هم خواهد خورد.

بنابراین پیشاپیش پاسخ این سؤال را هم داده است که آیا این اقدامات وحشیانه راه حلی بر معضلات و مسایل اجتماعی هست یا نه؟ از دیدگاه جمهوری اسلامی مسأله این نیست که آیا صدور احکام اعدام، شلاق، قطع اعضای

بدن انسان می‌تواند معضلات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران را حل کند یا نه؟ نفس صدور این احکام و اجرای آن‌ها "یک عبادت است" دلیل قاطع و محکم آن هم به گفته رئیس دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی در این است که "ائمه ما خودشان حدود را اجراء می‌کردند" چون خودش، هم، وظیفه است و هم عبادت. با این همه، نه این اراجیف و نه تشدید وحشی‌گری صدور و اجرای احکام قصاص و حدود توانسته رژیم را از معضلات بی‌شماری که با آن روبروست نجات دهد و نه می‌تواند.

جمهوری اسلامی با سیاست‌های ارتجاعی - اسلامی خود آسیب‌های بزرگی به توده‌های مردم و جامعه ایران زده است. در نتیجه همین سیاست‌هاست که روز به روز بر تعداد معتادان کشور افزوده شده و اعدام‌های روزمره کمترین تأثیری بر این وخامت اوضاع نداشته است. کمتر روزی را می‌توان سراغ گرفت که در آن ده‌ها مورد قتل، تجاوز به زنان و کودکان رخ ندهد. اعدام، حدود و قصاص هم هیچ بهبودی در این اوضاع نه پدید آورده و نه می‌تواند پدید آورد. چرا که تمام این ناهنجاری‌ها و فجایع، نتیجه سیاست‌های جمهوری اسلامی‌اند. تغییری در اوضاع رخ نخواهد داد مگر آن که تمام سیاست‌هایی که به این فجایع و ناهنجاری‌های اجتماعی میدان داده است، از بیخ و بن دگرگون شوند